

ریاست شبکه موربانهای از زندان



خرید و فروش ارز است. من هم چنین افرادی را به او معرفی می کردم اما وقتی دستگیر شدم فهمیدم ماجراطور دیگری است! سر دسته باند، این افراد را به عنوان طعمه کلاهبرداری تلفنی شکار می کرد.»

این متهم در مورد اینکه چطور قبول کرد با اعضای این باند همکاری کند در ادامه می گوید: «وقتی با من تماس گرفتند به آن فرد گفتم چطور باید مطمئن باشم در ازای این کار به من پولی پرداخت می کنند؟ فردی آن روز یک بیک برابم بسته ای آورد که در آن ۳ میلیون تومان پول بود. دوباره همان فرد ناشناس با من تماس گرفت و گفت حالا مطمئن شدی به تو پول می دهم؟ قرار شد هر بار که فردی را به آنها معرفی می کنم مبلغی بین ۳ تا ۳ میلیون تومان به من پرداخت کنند اما بعد از پرداخت همان پولی که با بیک برابم فرستادند دیگر هیچ مبلغی به من ندادند. ۲ یا ۳ نفر را به آنها معرفی کردم. بدین صورت که این افراد را در محل شناسایی کرده و شماره هایشان را پیدا می کردم و بعد با اسم و مشخصات در اختیارشان قرار می دادم. وقتی آن آنها می خواستند که پول من را پرداخت کنند، می گفتند بگذار بعد از معرفی چند نفر دیگر همه طلبت را یکجا به تو می دهم تا پول خوبی به دستت برسد. اما همه این وعده ها پوچ بود و من وقتی دستگیر شدم، فهمیدم که خودم هم بازی خوردم!»

قدم اول: شناسایی اعضای باند

سر دسته این باند سعی می کرد هیچ زدی از خود بر جای نگذارد، برای همین حتی اعضای باند هم اطلاع دقیقی از محل زندگی او و شاید حتی هویتش نداشتند! ابتدا از میان جوان هایی که نیاز مالی شدید داشتند، فردی را انتخاب می کرد تا بتواند از طریق او طعمه های خود را برای کلاهبرداری انتخاب کند.

یکی از افرادی که توسط پلیس فتا شناسایی و دستگیر شده است، اولین حلقه این باند تبهکار است. او در مورد نقش خود در این کلاهبرداری می گوید: «من شاگرد مکانیک بودم. از صبح تا شب کار می کردم تا بتوانم خرج گرفت اما خودش را معرفی نکرد و می گفت این طور بهتر است! بعد گفت دیده که من با چه سختی ای کار می کنم و برای همین پیشنهادی برای بهتر شدن اوضاع زندگی ام دارد. گفت افراد لنگ پول را در محل شناسایی کنم و شماره تلفن آنها را به او بدهم. می گفت این افراد بهتر است از میان سالمندان یا معنایان باشند تا راحت تر قبول کنند با آنها همکاری کنند. ابتدا به من گفت کارشان

گروه حوادث - مرد زندانی در سلول هم درس عبرت نگرفت و با تشکیل شبکه های موربانهای به کلاهبرداری های زنجیره ای پرداخت.

شماره بده جایزه بزرگ تلویزیون شده اید! حتی تصور این اتفاق هم شیرین است. فکرش را بکنید یک روز با شما تماس بگیرند بگویند شما همان انسان خوشبخت و خوش شانسی هستید که از میان صدها و هزاران و میلیون ها نفر قرعه به نامتان افتاده و به عنوان برنده جایزه بزرگ معرفی شوید. انگار در یک لحظه همه جاهای زندگی آدم از جلوی چشمش رد می شود و تصور پایان گرفتن این چاله های اقتصادی و گرفتاری های یعنی تجربه حس انکار ناپذیر شعف.

در آن لحظه گویی فردی که این خیر را شنیده دلش می خواهد باور کند که این شیرینی حقیقت دارد. حتی اگر شک به دلش بیفتد و فکر این که نکند کاسه ای زیر نیم کاسه باشد، اما در ذهنش دنبال تو جویی می گردد که به خودش ثابت کند همه چیز حقیقت دارد. مثلاً با خودش فکر می کند اگر کلاهبردار باشد نام و فامیلی من را از کجای می داند؟ از کجای می داند ساکن کدام منطقه هستم؟ و این سؤالات دقیقاً همان چیزی است که کلاهبرداران فکر همه جای آن را کرده اند! آنها می دانند برای به کرسی نشاندن نقشه شان از کجا شروع کرده و خوب می دانند چطور باید طعمه های خود را مجاب کنند. مثل باند کلاهبرداران تلفنی که مدتی قبل به دام پلیس فتای تهران افتادند. نقشه آنها به حدی حساب شده و دقیق بود که حتی برخی از اعضای باند نمی دانستند ماجرا از چه قرار است و گمان می کردند در حال خرید و فروش ارز هستند!

تنها برگ برنده سر دسته باند کلاهبرداری یک چیز بود؛ سوءاستفاده از طمع اعضای باند و طعمه های

این افراد در صرافی قرار می گذاشتند و با پول واریز شده به کارت شان ارز خریداری می کردند.»

دو نفر از کسانی که کارت خود را اجاره داده بودند هم دستگیر شده اند. یکی از آنها می گوید: «به من گفتند فردی قصد خرید ارز دارد اما چون باهر کد ملی و شماره کارت فقط می تواند مقدار محدودی ارز خریداری کند، نیاز به کسانی دارد که کارت بانکی شان را به او اجاره دهند. من فکر نمی کردم پشت این ماجرا کلاهبرداری باشد! پولی به حساب آمد و با آنها قرار گذاشتم و با آن پول ارز خریدم و تحویل شان دادم. آنها حتی داخل صرافی هم نمی آمدند! آن طرف خیابان می ایستادند و وقتی ارز را تحویل می گرفتند، می رفتند. من دو بار کارت تم را به آنها اجاره داده بودم. دوستم را هم معرفی کردم که او هم یک بار کارتش را اجاره داد.»

قدم سوم: تبدیل پول مالباختگان به ارز

وجه حساب مالباختگان به حساب چه کسی واریز می شد؟ اگر پول ها مستقیم به حساب سر دسته باند واریز می شد، ماجرا خیلی زود لو می رفت!

حالا همان شاگرد مکانیک که طعمه ها را شناسایی می کرد باید وظیفه دوم خود را انجام می داد! او باید افرادی را معرفی می کرد که کارت خود را اجاره دهند. این متهم در مورد این مرحله از کار خود می گوید: «افرادی را هم به سر دسته باند معرفی می کردم که کارت شان را اجاره دهند. پولی به حساب آنها منتقل می شد و بعد با



حتی زمانی که خودم دختری را در منزل دیدم، باز هم او مرا متهم می کرد که تهمت ناروا می زنی. بان که صاحب یک دختر و پسر هم بودم و تلاش می کردم تا او را از مسیر خیانت بازدارم، نتیجه ای نمی گرفتم تا این که بالاخره همسرم با ۳ کیلو موادمخدر (تریاک) دستگیر و روانه زندان شد. من هم از این فرصت استفاده کردم و از او طلاق گرفتم. در همین روزها بود که یکی از نزدیکان غلام نیز از همسرش طلاق گرفت و من برای آن که شوهر سابقم را از جر بدهم با یک اشتباه بزرگ و بدون مشورت با دیگران با آن جوان که «صمد» نام داشت، ازدواج کردم. چون خوبی من دانستم که شوهر سابقم و خانواده اش حساسیت خاصی روی صمد دارند که به دختر شان خیانت کرده بود. آن روزها به چیزی جز آزار غلام نمی اندیشیدم و با این کار قصد داشتم او و خانواده اش را از جر کشش کنم. اگر چه من فقط یک ماه با صمد زندگی کردم و بعد هم طلاق گرفتم اما بعد به خاطر

نقشه های شوم زن جوان برای زجر دادن شوهر سابق

زندان می کردم و من که تا مقطع راهنمایی تحصیل کرده بودم، در کنار مادرم مهارت های خانه داری را می آموختم. با این آشنایی خانوادگی خیلی زود مراسم عقد کنار بر گزار شد و من و غلام با هم ازدواج کردیم. او به خاطر بیماری پدرش از خدمت سربازی معاف شده بود و در کار گاه خیاطی کار می کرد. حدود ۲ سال دوران نامزدی ما طول کشید که در همین مدت پدر غلام ملکی را در مشهد خرید و آن ها به منطقه سیدی مهاجرت کردند، به همین دلیل در مدت کوتاهی بعد از آغاز زندگی مشترک، من و غلام هم به خانه پدر شوهرم آمدیم و در کنار آن ها به زندگی ادامه دادیم.

زندان می کردم و من که تا مقطع راهنمایی تحصیل کرده بودم، در کنار مادرم مهارت های خانه داری را می آموختم. با این آشنایی خانوادگی خیلی زود مراسم عقد کنار بر گزار شد و من و غلام با هم ازدواج کردیم. او به خاطر بیماری پدرش از خدمت سربازی معاف شده بود و در کار گاه خیاطی کار می کرد. حدود ۲ سال دوران نامزدی ما طول کشید که در همین مدت پدر غلام ملکی را در مشهد خرید و آن ها به منطقه سیدی مهاجرت کردند، به همین دلیل در مدت کوتاهی بعد از آغاز زندگی مشترک، من و غلام هم به خانه پدر شوهرم آمدیم و در کنار آن ها به زندگی ادامه دادیم.

پدر شوهرم در زمینه خرید و فروش دام فعالیت داشت و به ماه از نظر مالی کمک می کرد. اگر چه همسرم تلاش کرده حرفه خیاطی ادامه دهد ولی به خاطر اعتیاد پدرش، گاهی از موادمخدر او به طور پنهانی مصرف می کرد تا این که غلام هم معتاد شد. این در حالی بود که پدر او به

فرزندانش ششیمان شدم و قصد داشتم دوباره به زندگی سابقم بازگردم ولی دیگر این امکان وجود نداشت. خلاصه دخترم به ۱۷ سالگی رسید و پسری از بستگانم او را خواستگاری کرد.

از سوی دیگر من می خواستم به طریق همسر گذشته افراموش کند و به خاطر دختر و پسر هم به زندگی مشترک کمان ادامه دهم اما او به خاطر ازدواجم با صمد که زندگی آن ها را با خیانت هایش نابود کرده بود، هیچ

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

<h3>خدمات</h3>	<h3>صنایع چوب</h3>	<h3>فروش</h3>	<h3>استخدام</h3>
<p>خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p>	<p>شرکت کهن چوب تولیدکننده انواع درب های چوبی برای کلیه پروژه ها مسکونی ، تجاری ، هتلی ، و اداری جزیره کیش درخت سبز صنعت ۲ پلاک ۴۳ تهران شهرک صنعتی چهار دانگه ۰۹۳۴۷۶۹۹۱۸۶ ۰۷۶۴۴۴۷۳۱۳۹ www.kohanchoob.ir</p>	<p>مغازه صنایع دستی غرفه ۱۹۹ بازار پردیس یک تمام اجناس و دکور به قیمت خرید فروخته می شود ۰۹۱۳ ۱۹۸ ۰۰۶۸</p>	<p>دفتر املاک کارن جهت تکمیل کادر فنی از مشاورین با تجربه و علاقه مندان به این حرفه دعوت به همکاری می نماید. آدرس: میدان امیر کبیر، ساختمان فرهاد. ۰۹۳۴۷۶۸۴۴۰۱ مدیریت داخلی: راحمی</p>
<p>درب های اتوماتیک دارکوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲</p>	<p>شرکت چوب سازان آداک صنعت کیش ساخت انواع منسوجات چوبی ، کابینت، ترمو وود.....شو روم بازار پادنا ۰۹۳۴۷۶۸۲۵۵۸</p>	<h3>خشکشویی</h3>	<p>استخدام منشی عصر ساکن کیش یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب</p>
<h3>حمل کالا</h3>	<p>صنایع چوب حلاج کیش کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل تلفن ۷۶۹۸۲۵۲</p>	<p>خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با بیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ با مدیریت عسکری</p>	<p>به تعدادی کارگر ساده جهت کار پاره وقت بعنوان پیک موتوری نیاز مندیم. ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>
<p>حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p>	<p>نیازمندیهای اقتصاد کیش ۴۴۴۲۳۹۱۰ - ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>	<p>استخدام کارمند امور اداری خانم یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، کارمند امور اداری آشنا به کامپیوتر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند.</p>	

صنایع چوب حلاج کیش

کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲